

در سبای از امام حجّه الله اخلاص و تقوا

مردآوری و تقوا

رسول سعادت مند

این اثر دارای مجوز نشر به شماره ۱۹۸-۱۳۹۴/۲/۲
از مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله است.

سرشناسه:	سعادت‌مند، رسول، ۱۳۳۶-
عنوان و پدیدآور:	درس‌هایی از امام: اخلاص و تقوا / گردآوری و تنظیم رسول سعادت‌مند
مشخصات نشر:	قم: تسنیم، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری:	۲۷۲ ص.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۵۸۶۴-۵۸۰۱
وضعیت فهرست‌نویسی:	فبا
یادداشت:	کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع:	خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸-۱۳۷۹ - نظریه درباره تقوا
موضوع:	خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸-۱۳۷۹ - دوستان و آشنایان - خاطرات
موضوع:	خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸-۱۳۷۹ - پیامها و سخنرانیها
موضوع:	تقوا
موضوع:	اخلاص
۴:	اخلاق اسلامی
شناسنامه‌ای داده:	اخلاص و تقوا
رده‌بندی کنگره:	۷ص/ت/ ۱۵۷۴/۵ DSR
کتابخانه ملی:	۹۵۵/۰۸۴۸



درس‌هایی از امام علیه السلام اخلاص و تقوا

گردآوری و تنظیم:	رسول سعادت‌مند
ناشر:	انتشارات تسنیم
طراح جلد:	روح‌الله سعادت‌مند
توبت چاپ:	اول، ۱۳۹۴
شمارگان:	۱۰۰۰ جلد
بها:	۱۰۰۰۰۰ ریال
شابک:	۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۸۶۴ - ۵۸۰ - ۱
تلفن مرکز بخش:	۰۲۵ - ۳۷۷۳۴۰۸۰
نمایر:	۰۲۵ - ۳۷۷۳۴۰۸۲

فهرست مطالب

پیشگفتار ۲۵

فصل اول: اخلاص در کلام امام علیه السلام

- ❖ ساز و عجز و مخلوقات ۲۹
- ❖ قلب انسان، نقش شروع کمالات ۳۰
- ❖ تمایز اعمال در این برون و غیرالهی بودن ۳۱
- ❖ ارزش انگیزه الهی در امور ۳۳
- ❖ تلاش برای الهی نمودن اعمالها ۳۵
- ❖ اخلاص، معیار ارزش عمل ۳۵
- ❖ حجم معنوی عمل، در اخلاص عمل ۳۶
- ❖ کار برای خدا ۳۶
- ❖ اخلاص، منشأ اطمینان قلبی و ایمان و پیروزی ۳۷
- ❖ کسب رضایت الهی، در انجام وظیفه ۳۸
- ❖ ما باید رضای خداوند را بدست بیاوریم ۳۸
- ❖ اخلاص داشتن در خدمت به بندگان خدا ۳۹
- ❖ ریزه کاریهای شیطان ۳۹
- ❖ تشخیص چگونگی اعمال ۴۰
- ❖ عمل الهی، در گرو مقصد الهی ۴۰
- ❖ اخلاص، منشأ نتیجه بخشی تمام امور ۴۱
- ❖ اخلاص مسئولان، منشأ وحدت ۴۲

- ❖ عبادت بودن خدمت خالصانه به انقلاب ۴۳
- ❖ حفظ امدادهای غیبی با اخلاص در عمل ۴۳
- ❖ جاودانگی کارهایی که برای خداست ۴۴
- ❖ پیروزی نهایی در اخلاص است ۴۴
- ❖ بقای نتیجه اعمال ۴۶

فصل دوم: امیرالمؤمنین علی (ع)، الگوی ایمان و اخلاص

- ❖ روح بزرگ و الهی علی (ع) ۴۹
- ❖ انگیزه الهی ضربت علی (ع) برتر از عبادت جن و انس ۴۹
- ❖ کشتن دشمن فقط برای خداوند ۵۰
- ❖ تقوا خداوند از نورانیت و اخلاص علی (ع) ۵۱
- ❖ ایمان اخلاص و معنویت علی (ع) الگو برای شیعیان ۵۲

فصل سوم: ایمان و توکل

- ❖ هیچ چیز جز خدا نمی‌داند ۵۵
- ❖ غیر از خداجویی برای ایستادن مطرح نبود ۵۵
- ❖ رضای الهی در درجه اول بود ۵۶
- ❖ فقط به قدرت خدا توجه داشتند ۵۶
- ❖ ما نکردیم، خدا کرد ۵۶
- ❖ آنچه مقدر است به ما می‌رسد ۵۷
- ❖ متکی به خدا باشید ۵۷
- ❖ لطف خفیه خدا بود ۵۸
- ❖ فرموده امام روشن شد ۵۸
- ❖ ما امرمان دست خداست ۵۹
- ❖ امور در دست دیگری است ۵۹
- ❖ برای انقلاب دعا کنید ۵۹
- ❖ خدا حافظ من است ۶۰
- ❖ خداوند با ماست ۶۰

- ❖ به تمام معنی راضی بودند ۶۰
- ❖ در حملات هوایی نگرانی نداشتند ۶۰
- ❖ خدا را قادر نمی‌دانید؟ ۶۱
- ❖ احتمال نمی‌دهید تبعید به خاطر این بود؟ ۶۱
- ❖ مثل اینکه غافل از خدا شدم ۶۲
- ❖ این ما نیستیم ۶۲
- ❖ دست خدا حافظ انقلاب است ۶۲
- ❖ دست غیبی ما را هدایت می‌کند ۶۳
- ❖ ما خدا را داریم ۶۳
- ❖ خدا التماس ۶۴
- ❖ خدا در مقابل مشکلات ۶۴
- ❖ خدا کن ۶۴
- ❖ از خدا طلب غیر کردند ۶۵
- ❖ اگر خداپرست بودی ۶۵
- ❖ علی را از اتاق بیرون کردند ۶۷

فصل چهارم: اخلاص و تقوا در سیره امام

- ❖ در راه خودسازی ۷۱
- ❖ رفتار و گفتارشان مطابق بود ۷۲
- ❖ اسوه اقتدار، شخصیت و نستوهی ۷۳
- ❖ سادگی و بی‌پیرایگی ۷۴
- ❖ برای رسیدن به مقام و شهرت این در و آن در مزین ۷۴
- ❖ بفرمایید بروید ۷۶
- ❖ انسان عاقل باید خود را کنار بکشد ۷۶
- ❖ التماس برای انتقال درس به مسجد اعظم ۷۷
- ❖ توجه به خداوند و پرهیز از دعوت به نفس ۷۷
- ❖ هر چه تلاش کردیم، نیامدند ۷۸
- ❖ کسی برای ریاست من حتی یک وجب قدم بر ندارد ۷۹

- ❖ مبدا سنگ مرجعیت کسی را به سینه بزنید..... ۸۰
- ❖ از دیتتان برای دنیای من صرف نکنید..... ۸۰
- ❖ حق ندارید یک کلمه از من حمایت بکنید..... ۸۰
- ❖ هیچ نامی از من نباشد..... ۸۱
- ❖ برگزاری مجلس فاتحه معنا دارد..... ۸۱
- ❖ بحمدالله دیگران هستند..... ۸۲
- ❖ حق نداری نام مرا بیاوری..... ۸۳
- ❖ اسم مرا در منبر نیاور..... ۸۵
- ❖ چطور شما این قدر مسرور و خوشحالید؟..... ۸۶
- ❖ من همان خادم طلبه‌ها که بودم هستم..... ۸۷
- ❖ یک نیم قرمز دور من بکشید..... ۸۷
- ❖ خدا را یک مدرس باشم..... ۸۷
- ❖ اسلام به من بستگی ندارد..... ۸۸
- ❖ چه احتیاجی به جلسه استفتا دارم..... ۸۸
- ❖ تنها امام بود که رساله چاپ کرد..... ۸۹
- ❖ برای مرجعیت حتی یک مدرک نداشته‌ام..... ۹۰
- ❖ نگفتند بر عروه حاشیه دارند..... ۹۰
- ❖ نمی‌خواهم حاشیه عروه را چاپ کنم..... ۹۱
- ❖ اصلاً نمی‌خواهم حاشیه‌ام را چاپ کنم..... ۹۱
- ❖ در فاتحه شرکت نمی‌کنم..... ۹۲
- ❖ تا مقلد نبینم اجازه چاپ رساله را نمی‌دهم..... ۹۲
- ❖ ما مقلد شما هستیم و رساله می‌خواهیم..... ۹۱
- ❖ بیت المال خرج رساله من نشود..... ۹۴
- ❖ از چاپ رساله خود امتناع می‌کردند..... ۹۴
- ❖ من که نگفتم چاپ کنید..... ۹۵
- ❖ رساله مجانی به کسی نمی‌دادند..... ۹۵
- ❖ رساله را از بیرون تهیه کنید..... ۹۶
- ❖ تاریخ اجتهادشان را نمی‌گفتند..... ۹۶

- ❖ پرهیز از مظاهر دنیوی و بی‌علاقه‌گی به امر مرجعیت ۹۶
- ❖ التماس و التجا برای دادن شهریه! ۹۸
- ❖ به من فشار آورده‌اند شهریه بدهم ۹۸
- ❖ با نفس اماره چه کنم؟ ۹۹
- ❖ نمی‌توانم قصد قربت کنم ۱۰۰
- ❖ در فکر جمع مرید نبودند ۱۰۱
- ❖ از تظاهر به تقوا بیزار بودند ۱۰۱
- ❖ در پی محراب و مسجد نبودند ۱۰۱
- ❖ قصد قربت کن ۱۰۲
- ❖ نمی‌توانم مرید نباشد ۱۰۲
- ❖ نمی‌خواهم معرف بشوم ۱۰۳
- ❖ نوشته شد: «دشمنان فانی!» ۱۰۳
- ❖ بی‌توجهی به نیا و نسیم از برابر وظیفه ۱۰۴
- ❖ در نجف وظیفه من شریعت است ۱۰۵
- ❖ در قم هم نماز جماعت نمی‌خواندم ۱۰۶
- ❖ به کسی نگویید به درس من بیایید ۱۰۶
- ❖ مسجد متروک‌های انتخاب کردند ۱۰۷
- ❖ از شما توقع داشتم مرا نصیحت کنید ۱۰۷
- ❖ پرداخت شهریه برای من امکان ندارد ۱۰۸
- ❖ پیروی از کار خوب دیگران ۱۰۹
- ❖ من به حج بعثه نمی‌فرستم ۱۱۰
- ❖ چرا می‌خواهید چاپ کنید؟ ۱۱۰
- ❖ مخالفت قاطع با عناوین و القاب ۱۱۱
- ❖ دستور می‌دهم این کتاب‌ها را بریزند توی دجله ۱۱۲
- ❖ این نوشته باید از بین برود ۱۱۲
- ❖ چه داعی برای این کار داری؟ ۱۱۳
- ❖ رفقای من صحبتی نکنند ۱۱۳
- ❖ به دوستانم بگویید به نفع من کاری نکنند ۱۱۴

- ❖ در هیچ مجلسی حق ندارید اسم مرا بیاورید..... ۱۱۵
- ❖ جز کلمه سید خمینی چیزی نگویید..... ۱۱۵
- ❖ ببخود اینها این کار را کرده‌اند..... ۱۱۶
- ❖ هر چه مردم را از ما دورتر کنید وظیفه ما سبک‌تر است..... ۱۱۶
- ❖ اگر مردم از تقلید من برگردند..... ۱۱۷
- ❖ این دنیاست، نمی‌دهم..... ۱۱۷
- ❖ چرا در منزل من مرا هتک می‌کنید؟..... ۱۱۸
- ❖ نفس است که دعوت می‌کند..... ۱۱۸
- ❖ شما بیایید مشرک بشوم؟..... ۱۱۹

پنجم: عمل به تکلیف الهی

- ❖ ارزش سخن، در توجه به تکالیف الهی..... ۱۲۳
- ❖ اگر می‌گفتند روح‌الدین این قدم می‌شدم..... ۱۲۴
- ❖ احساس کردند باید سیم کتن..... ۱۲۴
- ❖ اگر پیش‌نماز بودم..... ۱۲۵
- ❖ ما که نمی‌خواهیم شاه بشویم..... ۱۲۵
- ❖ هرگاه او را می‌دید، نصیحت می‌کرد..... ۱۲۶
- ❖ بر حسب وظیفه کار را شروع کردم..... ۱۲۷
- ❖ می‌خواهم به وظیفه عمل کنم..... ۱۲۷
- ❖ والله تکلیف است..... ۱۲۷
- ❖ اگر بفهمم مسأله‌ای پیش آمده..... ۱۲۸
- ❖ موظفیم انجام وظیفه کنیم..... ۱۲۸
- ❖ نمی‌توانم ساکت بنشینم..... ۱۲۹
- ❖ جواب خدا و مردم را چه می‌دهیم؟..... ۱۲۹
- ❖ دست از تکلیف بر نمی‌دارم..... ۱۳۰
- ❖ فرودگاه به فرودگاه می‌روم..... ۱۳۰
- ❖ نباید مأیوس شویم..... ۱۳۱
- ❖ اگر هیچ کس توجه نکند..... ۱۳۱

- ❖ گذرنامه‌ام را بیاور..... ۱۳۲
- ❖ هر کجا بروم، حرفم را می‌زنم..... ۱۳۳
- ❖ ما مطالبمان را می‌گوییم..... ۱۳۳
- ❖ هر کاری را که لازم بدانم می‌کنم..... ۱۳۴
- ❖ وظیفه ما عمل به احکام الهی است..... ۱۳۶
- ❖ اگر هیچ کس نگوید، من می‌گویم..... ۱۳۷
- ❖ نزد خدا چه جوابی بدهم؟..... ۱۳۷
- ❖ به تکلیف شرعی‌ام می‌پردازم..... ۱۳۸
- ❖ اگر بااست کسی دست از کار بکشد..... ۱۳۸
- ❖ اگر استراحت کنیم..... ۱۳۹
- ❖ اهل این کارها هستیم..... ۱۳۹
- ❖ ما مأمور به ادای تکلیف هستیم..... ۱۴۰

فصل سیم: صداقت و درستی

- ❖ رفتار و گفتارشان مطابق بود..... ۱۴۳
- ❖ من این مطلب را نگفتم..... ۱۴۳
- ❖ این دروغ است..... ۱۴۵
- ❖ چرا حسن این‌طور آشفته است؟..... ۱۴۵
- ❖ من یک رأی داشتم که انداختم..... ۱۴۶
- ❖ خیلی صادق بود..... ۱۴۷
- ❖ در همه حال یکسان بودند..... ۱۴۷
- ❖ همیشه صادق بودند..... ۱۴۷
- ❖ نامه را برگردانید..... ۱۴۷
- ❖ همچون گذشته اعتراف می‌کنم..... ۱۴۸
- ❖ من و هم حجره‌ایم مورد اعتراض بودیم..... ۱۴۸
- ❖ حرفت را بزن!..... ۱۴۹
- ❖ چون مخالف واقع است تذکر می‌دهم..... ۱۴۹

فصل هفتم: پای‌بندی به احکام شرع

- ❖ صبر می‌کردند بدنشان خشک شود ۱۵۳
- ❖ اگر شبهه داشتند مسافرت می‌کردند ۱۵۳
- ❖ پول موقوفه را از شهرداری بگیرید ۱۵۳
- ❖ اگر توقیف شرعاً درست نباشد ۱۵۴
- ❖ ربا باید حذف شود ۱۵۴
- ❖ نمی‌توانم پولی به تو بدهم ۱۵۴
- ❖ با این پول‌ها نمی‌شود چاپ کرد ۱۵۵
- ❖ حرام و تشریفات ازدواج ۱۵۵
- ❖ اجازت نمی‌دهم ۱۵۶
- ❖ پرداخت به وظیفه خود می‌دانستند ۱۵۶
- ❖ این جملات را بنویس ۱۵۷
- ❖ از محرمات دوری کنید ۱۵۷
- ❖ در مسأله نامحرم تأخیر بکنند ۱۵۷
- ❖ اگر نامحرم باشند نمی‌توانند هم صحبت کنند ۱۵۸
- ❖ در واجبات و محرمات برخورد کنید ۱۵۸
- ❖ کسی اینجا هست ۱۵۸
- ❖ تفاوتی با خواهرتان ندارید ۱۵۹
- ❖ دیوار را بردارند ۱۵۹
- ❖ اگر دستمان بیرون می‌آمد ۱۶۰
- ❖ برای نماز صبح کسی را بینار نمی‌کردند ۱۶۰
- ❖ آموزش مسائل شرعی به بچه‌ها پیش از سن تکلیف ۱۶۰
- ❖ با دیدن فعل حرام بدن امام لرزش پیدا می‌کند ۱۶۰
- ❖ پرده را بکش ۱۶۱
- ❖ من گفته بودم نروید ۱۶۱
- ❖ نامحرم داخل اتاق هست ۱۶۲
- ❖ من به هیچ کار تو کار ندارم ۱۶۲
- ❖ صورتشان را برمی‌گرداندند ۱۶۳

- ❖ پا روی کفش‌های مردم نمی‌گذاشتند ۱۶۳
- ❖ نهایت دقت را می‌کردند ۱۶۴
- ❖ این روزنامه‌ها ایرانی است؟ ۱۶۴
- ❖ کفش‌ها را از سر راه جمع کنید ۱۶۵
- ❖ من خاطر م جمع نیست ۱۶۵
- ❖ چرا این کار را کرده‌اند؟ ۱۶۶
- ❖ از صاحب زمین اجازه بگیرید ۱۶۷
- ❖ مرا به جهنم نفرستید ۱۶۹
- ❖ اگر دلسری جهنم را تحمل کنی ۱۶۹
- ❖ بی‌وفایی به تهران تلفن کنی ۱۷۰
- ❖ محتاج ادافه ندیاد ۱۷۰
- ❖ دادن خر به آقا عطفی روی حساب بود ۱۷۱
- ❖ واجب نیست دلام ۱۷۱
- ❖ باید طبق وصیت مصطفی ۱۷۲
- ❖ هرکس کرایه خودش را بدهد ۱۷۳
- ❖ باید پول بدهند و رساله بخرند ۱۷۳
- ❖ بیت‌المال خرج رساله من نشود ۱۷۴
- ❖ پیام من با دلارهای اماتنی چاپ نشود ۱۷۴
- ❖ از وجوهات استفاده نمی‌کردند ۱۷۵
- ❖ از سهم امام استفاده نکردند ۱۷۶
- ❖ به این استفتا جواب نمی‌دهم ۱۷۶
- ❖ ایشان ساقط خواهد شد ۱۷۷
- ❖ از این پول‌ها نمی‌دهم ۱۷۷
- ❖ نباید از این چیزها بترسند ۱۷۸
- ❖ غلط کرده است ۱۷۸
- ❖ آیا ثقه است؟ ۱۷۸
- ❖ نمی‌توانم امضا کنم ۱۷۹
- ❖ آیا ایشان مسلمانند؟ ۱۷۹

- ❖ چون مسیحی هستند اسم روح‌الله را ننوشتیم ۱۸۰
- ❖ منزل جای گوشه و کنایه نیست ۱۸۰
- ❖ چند اشکال در وضوی شما هست ۱۸۱
- ❖ انگشتر طلا را دریاورید ۱۸۱
- ❖ مهری تعیین کنید ۱۸۱
- ❖ پدر دختر راضی است؟ ۱۸۱
- ❖ دیه او را پرداز ۱۸۲
- ❖ نباید بی‌احترامی شود ۱۸۲
- ❖ با مفسدین را اعدام کنید ۱۸۲
- ❖ ناله البومش را ببینید ۱۸۳
- ❖ دست‌های آنها را باز کنید ۱۸۳
- ❖ شکم‌ش را با عصا ضربه بزنید ۱۸۴
- ❖ نکند به اینها ظلم شود ۱۸۴
- ❖ من این حق را ۱۸۴
- ❖ اگر احمد حکمش مرد با ۱۸۵
- ❖ با امکان زنده ماندن بلامانع است ۱۸۵
- ❖ عده‌ای بی‌گناه دستگیر می‌شوند ۱۸۶
- ❖ اعتصاب غذا صحیح نیست ۱۸۶
- ❖ احتمال ضرر می‌دهی؟ ۱۸۶
- ❖ به این آقا بگویید بلند شود ۱۸۷
- ❖ از انتشار این کتاب‌ها جلوگیری کنند ۱۸۷
- ❖ به شرط عدم تأیید غیرمسلمین اشکالی ندارد ۱۸۸
- ❖ اگر تمام مردم هم مخالفت کردند ۱۸۸
- ❖ قانون حذف بهره را تصویب کنید ۱۸۹

فصل هشتم: پرهیز از غیبت

- ❖ جایی برای غیبت نبود ۱۹۳
- ❖ بلند می‌شدند می‌رفتند ۱۹۳

- ❖ همیشه از غیبت نهی می کردند..... ۱۹۳
- ❖ به شرطی که غیبت نشود..... ۱۹۳
- ❖ در مجلس غیبت نمی نشستند..... ۱۹۴
- ❖ هیچ کس نمی تواند ادعا کند..... ۱۹۴
- ❖ با نگاه تندی ما را ساکت می کردند..... ۱۹۴
- ❖ اگر احتمال غیبت می دادند..... ۱۹۵
- ❖ شدیداً جلوگیری می کردند..... ۱۹۵
- ❖ غیبت امر حرامی است..... ۱۹۵
- ❖ مطلقاً غیبت نمی کردند..... ۱۹۶
- ❖ من ندانم غیبتی بکنید..... ۱۹۶
- ❖ راضی نیستم..... ۱۹۶
- ❖ گناه بی مزه است..... ۱۹۷
- ❖ از کسی حرف نزنید..... ۱۹۷
- ❖ حاضر نیستم بشنوم..... ۱۹۷
- ❖ چه عرض کنم..... ۱۹۸
- ❖ کسی جرأت کنایه نداشت..... ۱۹۸
- ❖ کسی نمی توانست غیبت بکند..... ۱۹۸
- ❖ یک غیبت نشنیدم..... ۱۹۹
- ❖ راضی نیستم غیبت بکنید..... ۱۹۹
- ❖ حتی شبهه غیبت نشنیدم..... ۱۹۹
- ❖ چرا مواظب زبانمان نیستیم؟..... ۲۰۰
- ❖ کشتی بگیرند غیبت نکنند..... ۲۰۱
- ❖ حرف احدی زده نشود..... ۲۰۱
- ❖ حرف دیگران را نزنید..... ۲۰۲
- ❖ در بیرونی من غیبت نکنید..... ۲۰۲
- ❖ حتی یک مرتبه غیبت نکردند..... ۲۰۳
- ❖ این غیبت است..... ۲۰۳
- ❖ غیبت نکنید..... ۲۰۳

- ❖ فضای اینجا الآن حرام است ۲۰۴
- ❖ نباید آبرویش را بیرید ۲۰۵
- ❖ بسیار ناراحت می‌شوند ۲۰۶
- ❖ از کودکی حق غیبت نداشتیم ۲۰۶
- ❖ خانم‌ها از خودشان صحبت کنند ۲۰۶
- ❖ بارها می‌فرمودند ۲۰۶
- ❖ مگر خودتان حرف ندارید؟ ۲۰۷
- ❖ اجازه صحبت ندادند ۲۰۷
- ❖ شدت برآشفته می‌شدند ۲۰۷
- ❖ در مجالس غیبت شرکت نکنید ۲۰۸
- ❖ حاضر نیستم بشنوم ۲۰۸
- ❖ این حرف‌ها برن ۲۰۸

فصل نهم نفس مطمئنه

- ❖ اصلاً تکان نخوردند ۲۱۱
- ❖ آرام روی منبر نشسته بودند ۲۱۲
- ❖ در صورتش هیچ اضطرابی ندیدم ۲۱۳
- ❖ اگر خبری برای امام می‌آوردند ۲۱۴
- ❖ تا به حال از کسی ترسیده‌ام ۲۱۴
- ❖ امام در مقابل جمعیت گریه نمی‌کردند ۲۱۵
- ❖ همه می‌گریستند جز امام ۲۱۵
- ❖ امام ابداً نمی‌پذیرفت ۲۱۵
- ❖ من هیچ گاه مضطرب نمی‌شوم ۲۱۶
- ❖ یاد ندارم از کسی ترسیده باشم ۲۱۶
- ❖ حالا چرا نمی‌نشینم؟ ۲۱۶
- ❖ فرزندان مرا کتک بزنند! ۲۱۷
- ❖ اگر اتفاقی افتاد ۲۱۸
- ❖ نفس مطمئنه ۲۱۸

- ❖ این باشد تا از فیضیه برمی گردم ۲۱۹
- ❖ شما بروید منزل خودتان ۲۱۹
- ❖ آمدند در را شکستند ۲۲۱
- ❖ اینها خواهند رفت ۲۲۱
- ❖ والله من نترسیدم ۲۲۱
- ❖ یقین کردم می خواهند مرا بکشند ۲۲۲
- ❖ شما چرا متوحش هستید ۲۲۲
- ❖ آنها می ترسیدند، من دلداری می دادم ۲۲۳
- ❖ خیر اصلاً نترسیدم ۲۲۳
- ❖ همین است که الان دارم ۲۲۳
- ❖ در حال آتش به ملاقاتهای خود ادامه دادند ۲۲۴
- ❖ اصلاً ناراحت نشدم ۲۲۴
- ❖ هرگز چنین آرامای نمی دهم ۲۲۵
- ❖ حال مصطفی چگونه است؟ ۲۲۵
- ❖ من صبر می کنم ۲۲۶
- ❖ از مصطفی چه خبر دارید؟ ۲۲۷
- ❖ حتی یک قطره اشک از چشم امام نبارد ۲۲۹
- ❖ همه می میریم، بفرمایید سر کارتان ۲۲۹
- ❖ مستحبات را نسبت به ایشان انجام دهید ۲۳۰
- ❖ خمینی ابدأ گریه نمی کند ۲۳۰
- ❖ آرامش در اوج مصیبت ۲۳۱
- ❖ اگر مصطفی مرده به من بگوید ۲۳۱
- ❖ مصطفی امید آینده اسلام بود ۲۳۱
- ❖ این هدیه ای بود که خداوند داد ۲۳۲
- ❖ شما چقدر پیر شده اید؟ ۲۳۳
- ❖ برای مرحوم اصفهانی هم فاتحه بخوانید ۲۳۴
- ❖ ایراد سخن در کمال آرامش ۲۳۴
- ❖ آثار هیجان در صدای امام دیده نمی شد ۲۳۵

- ❖ اجازه دهید به فرودگاه برویم..... ۲۳۶
- ❖ کوه صلابت بودند..... ۲۳۶
- ❖ چندین بار مزاح کردند..... ۲۳۷
- ❖ تنها کسی که آرام بود..... ۲۳۷
- ❖ آرامش در مسیر عراق به فرانسه..... ۲۳۸
- ❖ دیگه چی؟..... ۲۳۸
- ❖ موقع پیروزی انقلاب هیجان زده نشدند..... ۲۳۸
- ❖ هیچ تغییری در صدای امام دیده نشد..... ۲۳۹
- ❖ اطمینان، آرامش و قدرت در نگاه امام..... ۲۳۹
- ❖ آ.ا. به ما شلیک خواهد شد؟..... ۲۴۰
- ❖ خیلی خوشحال به نظر می‌رسید..... ۲۴۱
- ❖ همه نگران بودند..... ۲۴۱
- ❖ پاسخ امام ما سکفت زده کرده..... ۲۴۱
- ❖ هیچ احساسی ندارم..... ۲۴۱
- ❖ نماز شب خود را خیلی آرام خواند..... ۲۴۲
- ❖ امام کاملاً عادی بودند..... ۲۴۲
- ❖ همه نگران جز، امام..... ۲۴۳
- ❖ آرامش در همه حال..... ۲۴۳
- ❖ آرامش امام به همه آرامش بخشید..... ۲۴۴
- ❖ در مسیر بهشت زهرا..... ۲۴۴
- ❖ حس کردم امام از دستان رفت..... ۲۴۴
- ❖ هر کسی می‌توانست خودش را به امام برساند..... ۲۴۵
- ❖ در مدرسه باز هست یا نه؟..... ۲۴۵
- ❖ شما اگر می‌ترسید بروید..... ۲۴۶
- ❖ آنچه باید بشود می‌شود..... ۲۴۶
- ❖ من از این اتاق تکان نمی‌خورم..... ۲۴۷
- ❖ به هیچ وجه مدرسه را ترک نمی‌کنم..... ۲۴۷
- ❖ شورای انقلاب اینجا را ترک کند..... ۲۴۸

- ❖ ۲۴۹..... احتیاج به این کار نیست
- ❖ ۲۴۹..... اینجا جای امنی است
- ❖ ۲۵۰..... خبر بمباران محل اقامت رسید
- ❖ ۲۵۰..... هنوز که اتفاقی نیفتاده
- ❖ ۲۵۱..... خیالتان راحت باشد
- ❖ ۲۵۱..... شما بروید توی پناهگاه
- ❖ ۲۵۱..... مطمئن باشید من طوری نخواهم شد
- ❖ ۲۵۲..... شما با خانم امشب منزل را ترک کنید
- ❖ ۲۵۲..... در این مردم نمی‌شود کودتا کرد
- ❖ ۲۵۳..... در خانه باید بنشینند و اقور بکشند
- ❖ ۲۵۴..... من همه جا خواهم ماند
- ❖ ۲۵۵..... در مردم مضطرب نشده‌ام
- ❖ ۲۵۶..... آرامش خاص خودشان را داشتند
- ❖ ۲۵۶..... امام کجاست؟
- ❖ ۲۵۶..... تقارب آجال شده است
- ❖ ۲۵۷..... رادیو را بگذارید سر جای خود
- ❖ ۲۵۸..... امام همه ما را آرام کردند
- ❖ ۲۵۸..... کابینه را تکمیل کنید
- ❖ ۲۵۹..... برای ما قصه‌ای بیان کردند
- ❖ ۲۶۰..... به ما دلناری دادند
- ❖ ۲۶۱..... به همه آرامش دادند
- ❖ ۲۶۱..... خداوند اجل‌ها را نزدیک کرد
- ❖ ۲۶۱..... امام تسلط بر خود داشتند
- ❖ ۲۶۲..... دزدی آمده و سنگی انداخته
- ❖ ۲۶۲..... شما هم ترسیدید؟
- ❖ ۲۶۳..... با دیدن امام آرام شدیم
- ❖ ۲۶۳..... ضربان قلب امام افزایش پیدا نمی‌کرد
- ❖ ۲۶۴..... آرامش قلبی امام در جنگ شهرها

- ❖ در گرفتاری‌ها تنها کسی بود که آرامش داشت ۲۶۴
- ❖ با آرامش نگاه می‌کردند ۲۶۵
- ❖ نمی‌دانم ترس چیست ۲۶۵
- ❖ آرامش روحی در بمباران تهران ۲۶۶
- ❖ به هیچ وجه تغییر محل نخواهم داد ۲۶۷
- ❖ با اطمینان به مشکلات ما گوش می‌دادند ۲۶۹
- ❖ مطمئن باشید پیروزید ۲۷۰
- ❖ حتی محل نشستن امام عوض نشد ۲۷۱
- ❖ ما حریف امام نمی‌شویم ۲۷۱
- ❖ حتی یک سؤال از ما نکردند ۲۷۲
- ❖ من چیزی نیست ۲۷۳
- ❖ این دنیا و آن دنیا برای من فرقی نمی‌کند ۲۷۳
- ❖ هیچ اضطراری وجود امام نبود ۲۷۳
- ❖ آرامش امام در جنگ بزرگ ۲۷۴
- ❖ فردایی در کار نیست ۲۷۴
- ❖ فتح با شماست؛ بروید و فتح کنید ۲۷۵
- ❖ جنگ است؛ یک وقت ما می‌بریم و یک وقت آنها ۲۷۷
- ❖ آرامش امام در بمباران‌های جزیره خارک ۲۷۸

فصل دهم: کرامات و امدادهای الهی

- کرامات ۲۸۳
- ❖ اینها امامان من هستند ۲۸۱
- ❖ ناگهان دیدیم آبی جاری شد ۲۸۴
- ❖ من باید آتش را خاموش کنم ۲۸۵
- ❖ آشیخ محمود ناراحت نباش ۲۸۶
- ❖ انگشترشان را به من دادند ۲۸۷
- ❖ تفأل به قرآن ۲۸۸
- ❖ دومین شخصیت عالم ۲۸۸

- ❖ مبدا امام را مقایسه کنی ۲۸۸
- ❖ پدرت به ایران بازمی‌گردد ۲۸۹
- ❖ ایشان را مردی بزرگ یافتم ۲۸۹
- ❖ این جریانها واقع خواهد شد ۲۹۳
- ❖ الأمان یا صاحب الزمان ۲۹۵
- ❖ آوردن این مطلب را مصلحت نمی‌دانم ۲۹۵
- ❖ دوستان ما را گردن می‌زنند ۲۹۶
- ❖ صلاح تو نیست که بگیرم ۲۹۷
- ❖ مستقیم طولانی می‌شود ۲۹۷
- ❖ من بینم می‌گردد ۲۹۹
- ❖ شما در مورد ائمه‌ای داشتید؟ ۲۹۹
- ❖ رساله بفرست ۳۰۰
- ❖ دستشان را فوراً زیر پا رند ۳۰۱
- ❖ به حرم مشرف نشدند ۳۰۲
- ❖ بگویند عمامه‌اش را بردارد ۳۰۲
- ❖ بمانید با هم می‌رویم ۳۰۳
- ❖ شما فعلاً اینجا باشید ۳۰۳
- ❖ مگر حضرت صاحب به من خلاف می‌فرماید ۳۰۴
- ❖ شاید از طرف امام زمان باشد ۳۰۴
- ❖ بگویند این کار انجام می‌شود ۳۰۵
- ❖ به این مسافرت نروید ۳۰۶
- ❖ هیچ اثری از امام نبود ۳۰۶
- ❖ ناگهان ارتباط قطع شد ۳۰۷
- ❖ می‌فرمایید تکلیف من چیست؟ ۳۰۸
- ❖ مثل اینکه کسی مراجعه کرده ۳۰۹
- ❖ هوای این سیده را داشته باشید ۳۰۹
- ❖ معانقه گرمی کردند ۳۰۹
- ❖ با هم عکس بگیریم ۳۱۰

- ❖ خداوند محافظتشان کند ۳۱۰
- ❖ مطمئن باشید در این عملیات پیروز می‌شوید ۳۱۱
- ❖ این دعا برای اوست ۳۱۱
- ❖ انشاءالله صعود خواهی کرد ۳۱۲
- ❖ امسال به حج تروید ۳۱۳
- ❖ هرچه سریعتر پیام را به مدینه مخابره کنید ۳۱۴
- ❖ صورتم را به دست امام کشیدم ۳۱۵
- ❖ از آن روزی که پیش امام رفتم ۳۱۶
- ❖ من قادر نیستم ۳۱۷
- ❖ انشاءالله خوب می‌شود ۳۱۸
- ❖ نائب غای امام ۳۱۹
- ❖ این دست‌مال را ببر ۳۲۰
- ❖ انشاءالله قرب در رسد ۳۲۱
- ❖ چشم‌های من نباشد ۳۲۳
- ❖ دستی به سرم کشیدم ۳۲۶
- ❖ در اثر دعای امام شفا یافتم ۳۲۶
- ❖ دعا کردند ۳۲۷
- ❖ نگران نباشید خدا شفا می‌دهد ۳۲۷
- ❖ قندها را تبرک کردند ۳۳۳
- ❖ از باقی‌مانده غذا شفا یافت ۳۳۴
- ❖ هر شب به تو دعا می‌کردم ۳۳۵
- ❖ ناراحت نباش ۳۳۵
- ❖ گویا می‌دانستند ۳۳۶
- ❖ راضی نیستم تعریف کنید ۳۳۶
- ❖ با امام روبوسی کردند ۳۳۷
- ❖ شفای بیمار با نوشیدن باقی‌مانده آب ۳۳۷
- ❖ نمی‌توانستم عکسی بگیرم ۳۳۷
- ❖ با توسل به امام مشکلاتم حل می‌شود ۳۳۸

۳۳۸..... امدادهای غیبی

۳۳۸..... ❖ دست غیبی در انقلاب اسلامی

۳۴۳..... ❖ اگر خداوند به داد این جمعیت نرسیده بود.....

۳۴۴..... ❖ محاسبات غلط مادیگرایانه.....

۳۴۶..... ❖ بیم و هراس در دل دشمنان.....

۳۴۸..... ❖ خدا نخواست.....

۳۴۹..... ❖ شکست کودتا، معجزه بود.....

۳۵۰..... ❖ عنايات الهی در کشف توطئه دشمنان.....

۳۵۲..... ❖ پیروان و استمرار انقلاب در گرو توجه به خدا، برادری و وحدت.....

۳۵۵..... فهرست اعلام.....

۳۶۱..... سوالات مباحثه.....

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از صفات برجسته امام خمینی علیه السلام اخلاص و تقوای کم‌نیر ایشانی است که این ویژگی را می‌توان اساسی‌ترین عامل در رفتارهای فردی و موضع‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی ایشان دانست.

امام خمینی علیه السلام در یک عمیق از فلسفه آفرینش و اعتقاد کامل به توحید و مراتب مختلف آن، تنها موجود مؤثر در عالم را وجود مقدس و بی‌همتای خداوند متعال می‌دانستند؛ و بر اساس این شناخت با مجاهدت‌های فراوان در جهاد اکبر و پیروزی بر امیال و آرزوهای نفسانی، گفتار و کردارشان را بر اساس محبوب خالص ساختند و با استفاده از بصیرت و روشن بینی حاصل از تقوای الهی پیوسته در انجام وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی، رضایت حضرت حق را بر خواسته‌های نفسانی خود و دیگران ترجیح می‌دادند.

امام خمینی علیه السلام که خود پرورش یافته مکتب اهل بیت علیهم السلام بودند با تعمق در آموزه‌های معرفتی و به کارگیری آنها در اعمال و رفتار خویش، به الگویی شاخص و ممتاز در این مکتب تبدیل شدند.

در این مجموعه رهنمودهای امام خمینی علیه السلام پیرامون نقطه آغازین کمالات انسانی و معیارهای تمایز اعمال و ارزش آن و لزوم کوشش در کسب اخلاص در خدمت‌گذاری و آثار و نتایج

فردی و اجتماعی اخلاص، بیان گردیده است.

در این مجموعه همچنین خاطره‌های فراوانی از ایمان و اعتقاد راسخ و توکل و اعتماد ایشان به خداوند متعال در سخت‌ترین شرایط و نیز اخلاص و تقوای فوق‌العاده و سیره ایشان در عمل به آن چه تکلیف الهی خود می‌دانستند، بیان گردیده است.

امام خمینی‌علیه‌السلام که خود فقهی اسلام شناس و مبین حلال و حرام بر اساس کتاب و سنت بودند نسبت به رعایت احکام شرع بسیار متعبد و مقید بودند و خاطراتی نیز از پای‌بندی ایشان به رعایت مسابا و احکام شرع در این کتاب آورده شده است. همچنین در بیان کتاب خاطراتی از کرامات امام خمینی‌علیه‌السلام و پیشگوئی‌های بعدی از افراد مورد ایشان و نیز فرمایشات امام خمینی‌علیه‌السلام در مورد امدادهای غیبی در ادب اسلامی ایران ذکر شده است.

در خاتمه، از مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی‌علیه‌السلام که عهده‌دار بررسی و تدوین مجزای جهت انتشار این اثر بوده است، تشکر و قدردانی می‌گردد.

ملاحظات

۱. مطالبی که از صحیفه امام‌علیه‌السلام نقل گردیده است به غیر از عناوین آنها، تماماً از فرمایشات یا مکتوبات امام خمینی‌علیه‌السلام است.
۲. اگرچه ذکر خاطرات متعدد از افراد مختلف در این کتاب موجب حصول اطمینان نسبت به سیره امام خمینی‌علیه‌السلام در همه موضوع مورد نظر می‌گردد؛ ولی در عین حال میزان صحت و سقم مطالب نقل شده به عهده راویان این خاطرات است.
۳. در پایان کتاب، از مطالب آن سؤالاتی تنظیم گردیده است که نهادها، سازمان‌ها و مراکز فرهنگی جهت برگزاری مسابقه فرهنگی می‌توانند استفاده نمایند.